

## بخش ویژه

چنین می‌نماید که فرهنگ و روابط اجتماعی در شهرهای امروزی دگرگون شده، زندگی شهری ضرباً هنگ تندتری یافته و روابط اجتماعی نیز سرددتر از گذشته شده‌اند. محققان، تغییرات اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری را به عوامل مختلفی نسبت می‌دهند. برخی بر تغییرات رفتاری جامعه طی زمان تأکید می‌ورزند و بروز نوعی فردگرایی را عامل این تغییرات می‌دانند؛ و دسته‌ای دیگر اندازه شهر را به لحاظ سمعت و جمعیت عامل اصلی مؤثر بر رفتار اجتماعی و فرهنگ و روابط مردم می‌شناسند. اما یکی از مطرح ترین دیدگاه‌ها در این زمینه نقش پدیده سرعت و ضرباً هنگ زندگی شهری است.

سرعت زندگی شهری و ضرباً هنگ شهری ادراک ذهنی از سرعت گذر زمان است، و خود ناشی از ویژگی‌های محیطی و خصوصیات فردی مردم است. عوامل غیرزمانی چندی در این ادراک ذهنی مؤثرند، که مهم‌ترین آنها عبارتنداز تعداد وقایعی که در یک واحد زمانی رخ می‌دهند، میزان پیچیدگی وقایع و در نتیجه مقدار فضای حافظه مورد نیاز برای ثبت آنها، تنوع وقایع، پیچیدگی ادراک واقعه، حالات احساسی و عاطفی درونی فرد نسبت به واقعه، بزرگی و شدت واقعه، و بالاخره میزان احساس اضطرار زمان.

مطالعات نشان می‌دهند که ابعاد مفهومی مجزاً کننده محیط‌های دارای ضرباً هنگ تنداز محیط‌های دارای ضرباً هنگ نند، عبارتنداز انگیزش - فعالیت، احساس - ارزیابی و بالاخره بالاسری هزینه زندگی. یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی که سرعت زندگی شهری بدان نسبت داده می‌شود اندازه شهر است، به طوری که شهرهای بزرگ با سرعت و ضرباً هنگ تند، و شهرهای کوچک با سرعت و ضرباً هنگ کند ارزیابی می‌شوند.

هر چند زندگی در شهرهای بزرگ عموماً به لحاظ کیفیت زندگی مطلوبیت ندارد، اما توان انطباق پذیری انسان، این شرایط را برای وی تحمل پذیر می‌سازد. این واقعیت که انسان می‌تواند محیط‌هایی را به وجود آورد و برای مدتی نیز با آن انطباق حاصل کند، به این معنی نیست که این محیط‌ها خسرو تا محیط‌های مطلوبی هستند. به عبارتی، ما با انطباق پذیری تدریجی، چهار خطای دریافت می‌گردیم و شرایطی را پذیراً می‌شویم که در داراز مدت هم برای حیات طبیعی و هم برای حیات اجتماعی -

فرهنگی مانابود کننده است. ستایناکی زندگی

طراحی شهری

# زمان، سرعت و ضرباً هنگ زندگی شهری

راضیه رضازاده

دکتر در طراحی شهری و استادیار دانشگاه  
علم و صنعت ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

شهری خود حاصل همین تلاش انسان برای انطباق با محیط شهری است؛ اما در عین حال مستلزم سرعت فعالیت و کاهش روابط اجتماعی است و در نهایت به مرگ حیات اجتماعی شهر می‌انجامد.

از آنجاکه یکی از مهم ترین اهداف شهرسازی ایجاد محیط‌های کالبدی متناسبی است که در آنها روابط اجتماعی مطلوب شکوفا گردد و مفاهیمی چون هویت و تعلق مکانی تقویت شوند، بایستی به راهکارهای مناسب برای نیل به اهداف مذکور اندیشید. راهکارهای طراحی شهری می‌توانند در کاهش احساس و ادراک سرعت زندگی شهری و ضربیاهنگ شهری مؤثر باشند و زمینه‌های تقویت روابط اجتماعی را فراهم سازند. با ساماندهی کالبدی می‌توان از ادراک و سرعت زندگی شهری کاست و امکان بهره‌مندی از آسایش تأمین با آرامش را در شهر فراهم ساخت. بدین ترتیب، می‌توانیم با ابزارهایی که در مقام طراح شهری در اختیار داریم، امکان آن را فراهم سازیم که از مشکلات ادراکی در فضای شهر کاسته شود و محیط شهری به شکل ادراکی مطلوبی درآید.

## ۱- مقدمه

در باره شهر قدیم، و روابط انسانی، فرهنگ اجتماعی متعالی و آرامش زندگی آن زیاد شنیده و خوانده‌ایم. گلابه از شهر امروز و روابط غیرانسانی و فرهنگ ماشینی و شتابزده آن هم موضوعی تازه نیست. آنچه برای یک محقق به عنوان سؤالی اساسی مطرح می‌گردد، آن است که این تغییرات در فرهنگ شهری و تبدیل روابط انسانی و آرامش حاکم به روابط ماشینی و شتابزده در نتیجه کدام عوامل به وجود آمده‌اند؟ آیا این تغییرات پیامد جبری رشد و توسعه شهرها و گذر زمان است؛ یا عواملی دیگر در این جریان مؤثر بوده‌اند؛ و بالاخره آنکه چگونه و با چه ابزارهایی می‌توان بر فرهنگ و روابط اجتماعی در شهرها تأثیر مثبت گذاشت؟ برای این منظور، در این نوشتار نخست به بررسی عوامل احتمالی مؤثر بر روابط اجتماعی - فرهنگی پرداخته می‌شود و نظریه‌های مطرح در این زمینه ارزیابی می‌گردد؛ و سپس با تدوین نظریه‌ای روشن که چگونگی تأثیر عوامل کالبدی را بر روابط اجتماعی - فرهنگی توضیح می‌دهد، به تدوین راهکار پرداخته می‌شود. در این خصوص بر تأثیر عوامل کالبدی بر ادراک زمان و نقش آن در روابط اجتماعی - فرهنگی تأکید می‌گردد.

## ۲- عوامل مؤثر بر روابط اجتماعی

محققان، تغییرات اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری را به عوامل مختلفی نسبت می‌دهند. برخی بر تغییرات رفتاری جامعه طی زمان تأکید می‌ورزند و بروز نوعی فردگرایی را عامل این تغییرات رفتاری می‌دانند؛ و دسته‌ای دیگر اندازه شهر را به لحاظ وسعت و جمعیت عامل اصلی مؤثر بر رفتار اجتماعی و فرهنگ و روابط مردم می‌شناسند. اما یکی از مطرحترین دیدگاهها در این زمینه نقش پدیده سرعت و رابطه آن با ادراک از زمان در زندگی شهری است. از منظر دیدگاه اخیر، زمان در شهرهای بزرگ با سرعت بیشتری نسبت به شهرهای کوچک در حال گذار است. در تحقیقات به عمل آمده، بسیاری از مردم اظهار می‌کنند که در شهرهای کوچک به همه امور خود می‌رسند و در عین حال وقت زیاد می‌آورند؛ اما در شهرهای بزرگ همواره با کمیود وقت مواجه هستند و چنین می‌نماید که زمان در این شهرها با سرعت بیشتری می‌گذرد.

زندگی در شهرهای بزرگ نه تنها مطلوب نیست بلکه پیامدهای منفی بسیاری را نیز در بردارد. در نظرسنجی تفصیلی که سه دهه پیش کمیسیون ملی رشد جمعیت امریکا انجام داد، ۸۶ درصد از امریکایی‌ها مایل بودند در روستاها و یا شهرهای کوچک زندگی کنند و تنها ۱۳ درصدشان زندگی در شهرهای بزرگ را مطلوب می‌دانستند. در این مطالعه شهرهای دارای جمعیت بیش از ۲۵۰,۰۰۰ نفر، به عنوان شهر بزرگ تعریف شده بودند. این



نظر سنجی نشان داد که تمکن جمعیت در شهرهای بزرگ از نظر شهرنشیان چندان مطلوب نبوده، ولی با این همه سکونت در این گونه شهرها - عمدها به دلایل شغلی - به صورتی اختتباً پذیر درآمده است. همین مطالعه نشان می‌دهد که از نظر سیاری از امریکایی‌ها، در شهرهای بزرگ روابط بیش از حداست و این شهرها موجب جدایی اجتماعی و ارزوا<sup>(۱)</sup> می‌گردند و محیطی سرد و بی‌روح و فاقد عاطف انسانی به وجود می‌آورند. سیمین<sup>(۲)</sup> (۱۹۷۲) نیز در تحقیقاتی جدایانه نشان داده است که اندازه شهرها تأثیر مستقیمی بر انزواطلبی شهرومندان دارد، به طوری که میزان انزواطلبی در شهرهای بزرگ بیشتر است.

برخی از مطالعات کلاسیک دیگر نیز نشان می‌دهند که ازدحام<sup>(۳)</sup> و تراکم<sup>(۴)</sup> عامل مهم و مؤثر در شکل‌گیری رفتار اجتماعی در شهرهای است. مطالعات اشميد<sup>(۵)</sup> (۱۹۶۰) نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین تراکم جمعیت و جرم و جنایت وجود دارد. تحقیقات تحریکی کالهون<sup>(۶)</sup> (۱۹۶۲) نیز نشان داد که رابطه مستقیمی بین ازدحام و تراکم و رفتار خشونت‌آمیز در بین مושاهدگاهی از مایشگاهی دیده شده است و احتمال می‌رود که انسان نیز در شرایط تراکم بیش از حد و ازدحام، چنین واکنشی از خود نشان دهد. و بالاخره مطالعات لانسینگ<sup>(۷)</sup> (۱۹۷۰) نشان می‌دهد که با افزایش تراکم، انزواطلبی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد، به طوری که رابطه همبستگی منفی بین تراکم جمعیت و شناخت همسایه‌ها وجود دارد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که: آیا رابطه روشی میان اندازه شهر، و ادراک سرعت گذر زمان، و بالاخره فرهنگ شهری در روابط اجتماعی حاکم در آن وجود دارد؟

### ۳- سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری

هر چند که فیزیک کلاسیک، زمان را پدیده‌ای ثابت می‌داند که با سرعتی یکنواخت در گذر است و مستقل از وقایع و حوادث به شکلی عینی قابل سنجش و اندازه گیری است، اما از نظر ادراک ذهنی، در ک از زمان یکسان نیست و سرعت گذر زمان پدیده‌ای وابسته به خصوصیات فردی و شرایط است. گیبسون<sup>(۸)</sup> معتقد است که سرعت گذر زمان برای هر فرد را امور و حالات مختلف متفاوت است و با توجه به تعداد<sup>(۹)</sup> (۱۰) و ماهیت<sup>(۱۰)</sup> وقایع دائم تغییر می‌کند. سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری ادراک ذهنی ناشی از ویژگی‌های محیطی و خصوصیات فردی است. برای مثال، میزان و سطح سروصدا، حجم و تراکم آمد و شد سواره و پیاده، حجم وسائل نقلیه در حرکت و میزان تنفس درونی افراد<sup>(۱۱)</sup> (۱۲) و اضطرار زمانی، همگی بر ادراک ذهنی از سرعت زندگی شهری و ضرباهنگ شهری اثر دارند.

از آنجاکه سرعت زندگی شهری<sup>(۱۳)</sup> و ضرباهنگ شهری<sup>(۱۴)</sup> از عنوان عامل مهمی در کاهش تعاملات اجتماعی و بروز روحیه فردگرایی مطرح شده است، لازم است که ماهیت سرعت و ادراک از سرعت مورد بررسی قرار گیرد و سپس تأثیرات آن بر روابط شهری بررسی شود. در اینجا پدیده سرعت زندگی شهری به عنوان پدیده‌ای غیرعینی - و عمدها ذهنی - مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در غالب مطالعات انجام شده درخصوص سرعت زندگی شهری امروز، نه بر ادراک ذهنی<sup>(۱۵)</sup> (این پدیده)، بلکه بر تظاهرات بیرونی و رفتاری آن تکیه شده است. این مطالعات - که عموماً بر تفاوت سرعت شهری در شهرهای کوچک و بزرگ تأکید دارند - شاخص‌هایی مانند سرعت حرکت عابران پیاده و یا مدت زمانی را که اشخاص برای انجام یک ارتباط اجتماعی صرف می‌کنند، ملاک سنجش سرعت زندگی شهری قرار داده‌اند. (Milgram 1970, Lowin 1971).

## سرعت زندگی شهری و ضربانهنج شهری امروزه به عنوان عامل مهمی در کاهش تعاملات اجتماعی و بروز روحیه فردگرایی مطرح شده است

در صورتی که شخص واکنش منفی نسبت به محیط داشته باشد، و ترکیب و نوع ترافیک و یا سایر عوامل محیطی نیز برای وی آزاردهنده باشد، بر سرعت خود می‌افزاید. این در حالی است که اگر محیط برای وی دلپذیر باشد، با تائی و آرامش بیشتری به فعالیت‌های مختلف در آن می‌پردازد.

در این تحقیقات بنایه تعریف، جاهايی که مردم در صورت فقدان موانع عملکردی با سرعت زیاد به حرکت و فعالیت می‌پردازندها وقت کمتری را صرف تبادلات اجتماعی خود می‌کنند، مکان‌هایی با سرعت زیاد(۱۶) هستند. در مقابل، فضاهایی که به رغم فقدان موانع عملکردی کم تحرک و ساکن هستند، مکان‌هایی با سرعت کم(۱۷) محسوب می‌شوند. با آنکه ساختارهای چون سرعت حرکت و سرعت تبادلات اجتماعی می‌تواند به عنوان معیارهای سنجش سرعت زندگی شهری به کار گرفته شوند، اما این ساخته‌ها تنها عوامل پیرونی و رفتاری افراد را مورد سنجش قرار می‌دهند و نمی‌توانند عوامل درونی چون ادراک اشخاص را بسنجند. به عبارتی، به دلیل درک خاص سرعت و قایق، شهر و ندان ناگزیر در رفتار خود تجدیدنظر می‌کند و رفتاری سریع تر و عجولانه‌تر از خود بروز می‌دهند؛ و رفتار نیز خود حاصل ادراک از نحوه گذر زمان است. گرچه می‌توان رفتار را به عنوان یک ساختار سنجش سرعت گذر زمان مورد بررسی قرار داد، اما خود حاصل فرایندی ذهنی است.

فروین(۱۸)، محقق و نویسنده کتاب پیاده‌روندگان(۱۹)، در مطالعات مفصلی که در خصوص رفتار پیاده‌ها انجام داده به این نتیجه رسیده است که عوامل روان شناختی، واکنش نسبت به محیط، ترکیب ترافیک و هدف سفر، همگی می‌توانند بر سرعت حرکت ازاد بدون مانع(۲۰) عابر پیاده اثر بگذارند(Fruin 1971.P.41). به عبارتی در صورتی که شخص واکنش منفی نسبت به محیط داشته باشد، و ترکیب و نوع ترافیک و یا سایر عوامل محیطی نیز برای وی آزاردهنده باشد، بر سرعت خود می‌افزاید. این در حالی است که اگر محیط برای وی دلپذیر باشد، با تائی و آرامش بیشتری به فعالیت‌های مختلف در آن می‌پردازد.

یکی از نمونه‌های این تعجیل هنگامی است که شخص در خیابان‌های شلوغ و پرازدحام رانندگی می‌کند. در این حالت وی در محیطی پرتنش و آزاردهنده قرار گرفته است. این محیط برای وی لذتبخش نیست و بنابراین می‌کوشد بر سرعت حرکت و سیله نقلیه خود بیفزاید تا سریع تر به مامنی چون خانه رود. به همین دلیل است که گاه ما رانندگان را به باد انقاد می‌گیریم که این همه تعجیل برای چیست و مگر چه خبر است. اما باستی متوجه باشیم که حالت احساسی آنان بر سرعت حرکت تأثیر می‌گذارد. هدف سفر نیز بر سرعت حرکت تأثیر پسیار دارد. هنگامی که شخص به محل کار می‌رود، به دلیل آنکه دچار اضطرار زمانی است و باستی در زمان خاصی به محل کار خود برسد، بر سرعت حرکت خود می‌افزاید، در حالی که همین شخص در صورتی که در حال رفتن به پارک به منظور گردش و تفریح باشد، دچار اضطرار زمانی نمی‌شود، چرا که در اینجا دیگر ضرورت تعییت از برنامه زمانی ثابت و انعطاف‌پذیر به آن مفهوم وجود ندارد. همین امر نحوه رفتار و سرعت حرکت وی را تعديل می‌کند.

افزایش سرعت حرکت پیاده و همچنین بی‌صبری رانندگان در شهرهای بزرگ، ناشی از واکنش منفی نسبت به محیط، و ترکیب ترافیکی همراه آن است. به عبارتی، افزایش سرعت حرکت پیاده و کاهش یافتن مدت و سطح تبادلات اجتماعی در شهرهای بزرگ خود ناشی از تلاش برای انتباط با محیط و زندگی شهری است. در واقع سرعت ادراک شده زندگی شهری موجب بروز سرعت در رفتار و تبادلات اجتماعی می‌گردد.

در اینجا در پی آن هستیم که محرك‌های مؤثر بر ادراک سرعت و ضربانهنج شهری را بشناسیم. سرعت حرکت پیاده تنها از پر مجموعه‌ای از یکی از محرك‌های محیطی است که به ادراک تندي یا کندی سرعت گذر زمان منتهی می‌شود؛ اما باستی توجه داشت که خود حاصل ادراک گذر سریع زمان و ضرورت انتباط با آن است. احتمالاً بسیاری از محرك‌هایی که بر ادراک سرعت گذر زمان اثر دارند، ارتباطی به معیارهای عینی سنجش سرعت ندارند. اما می‌توان ویژگی‌های عینی و کالبدی شهر را که در ادراک کندی و تندي گذر زمان مؤثر واقع

می شوند، شناخت و برآنها اثر گذاشت.  
مطالعات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر ادراک از سرعت گذر زمان و ضرباوهنگ شهری نشان می دهد که عوامل غیرزمانی چندی در این ادراک ذهنی مؤثرند. مهم ترین این عوامل عبارتند از تعداد و قایعی که در یک واحد زمانی رخ می دهند، میزان پیچیدگی و قایع و در نتیجه میزان فضای حافظه موردنیاز برای ثبت آنها، تنوع و قایع، پیچیدگی ادراک واقعه، حالات احساسی و عاطفی درونی فرد نسبت به واقعه، بزرگی و شدت واقعه، و بالاخره میزان احساس اضطرار زمان.

جالب آن است که بسیاری از عوامل مؤثر بر ادراک و تخمین زمان، عواملی هستند که در شهرهای بزرگ و کوچک تقاضاهای عمده‌ای دارند. برای مثال، محیط‌های شهری بزرگ به دلیل تحریکات بیشتر محیطی ناشی از نور و سروصداد و شلوغی معمول آنها، و به عبارتی تعداد و قایعی که در یک واحد زمانی رخ می دهند، تندتر ارزیابی می شوند. کیفیت احساسی و قایع نیز بر ادراک و تخمین زمان (۲۱) مؤثرند، به طوری که احساسات منفی موجب بروز افزایش تخمین زمان می شود، در حالی که احساسات مثبت موجب کاهش آن می گردد.

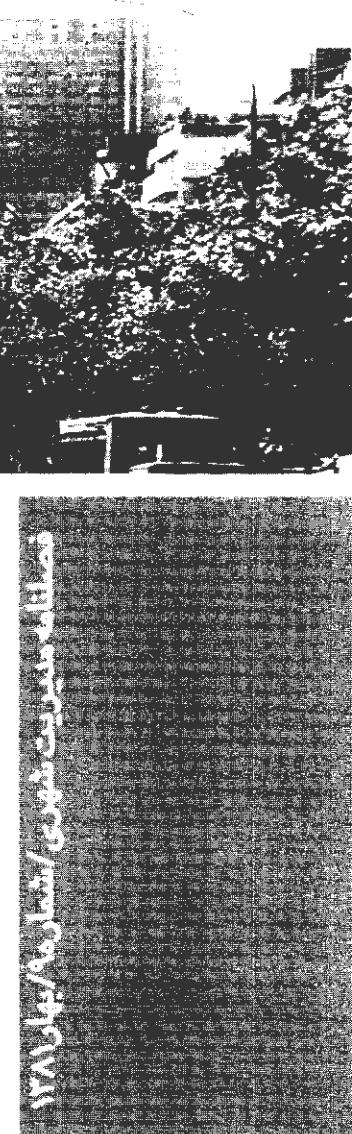


به طور کلی در حالت فشار روانی توجه و آگاهی زمانی فرد افزایش می باید و زمان کندتر می گزند، در حالی که در حالت استراحت و راحتی از میزان توجه و آگاهی زمانی فرد کاسته می شود و به نظر می آید که زمان خیلی سریع گذشته است. تقاضا سرعت گذر زمان برای شخصی که در انتظار اتوبوس در صفحی فشرده و در زیر آفتاب سوزان قرار گرفته، با سرعت گذر زمان برای همان شخص هنگامی که در کنار دریاچه‌ای زیبا نشسته است و پرواز پرنده‌گان وحشی را تماشا می کند، کاملاً باز است. این جمله‌ها برای مان آشنا هستند که «آنقدر خوش گذشت که نفهمیدم کی گذشت» و در مقابل نیز، «گویی زمان به کندی در حرکت بود». این نمونه‌ها به خوبی روشن می کنند که قسمتی از سرعت ادراک گذر زمان را حالات درونی افزایده وجود می آورد.

در پژوهشی از سادلا و همکاران وی (۱۹۹۰) (۲۲) به منظور درک مفهوم سرعت زندگی شهری به عنوان پدیده‌ای ذهنی، و رابطه آن با عوامل محیطی و خصوصاً اندازه شهرها، این پدیده از دید مردم مورد سنجش قرار گرفت. از نظر این پژوهشگران، ادراک ذهنی از سرعت زندگی شهری، خود متأثر از برخی عوامل عینی چون سطح الودگی صوتی، تعداد و تراکم تردد سواره و پیاده، و سطح تنش درونی (۲۳) هر فرد است. به عبارتی، سرعت حرکت و سرعت تبادلات اجتماعی در واقع نوعی واکنش رفتاری به نوع ادراک سرعت زندگی شهری است ولی با این همه می تواند به عنوان یکی از شاخص‌های عینی سنجش سرعت زندگی شهری مورد استفاده قرار گیرد.

садلا و همکاران وی نخست به بررسی ویژگی‌های ذهنی افراد در محیطی شهری با ضرباوهنگ تند، و محیطی با ضرباوهنگ کند پرداختند. این ویژگی‌ها براساس توصیف آزاد ۱۶۰ پاسخ دهنده به دست آمد. براساس تحلیل این داده‌ها، با استفاده از دو تکنیک اماری مختلف - یعنی تحلیل خوش‌ای (۲۴) و تحلیل سنجه چند بعدی (۲۵) - مشخص شد که ادراک محیط دارای سه بعد معنایی است: بعد احساسی (احساسات مثبت در مقابل احساسات منفی)، بعدانگیزش - فعلیت (محیط‌های پرفعالیت در مقابل محیط‌های کم فعلیت)، و بالآخره بعد اقتصادی - اجتماعی (محیط‌های پرهزینه، در مقابل محیط‌های کم هزینه). بعد مفهومی که محیط‌های دارای ضرباوهنگ تند را از محیط‌های دارای ضرباوهنگ کند مجزا می کنند، عبارتند از انگیزش - فعلیت، احساس - ارزیابی، و بالآخره بالاسری هزینه زندگی.

انگیزش - فعلیت مهم ترین بعد مفهومی محیط‌های دارای ضرباوهنگ تند هستند. عموماً عواملی چون سروصداد، الودگی هوا، منظر نازیبا و تعدد و تنوع و قایع باعث افزایش انگیزش می شود. عموماً ناتایر میزان



انگیزش و فعالیت بر ادراک ذهنی سرعت گذر زمان با استفاده از مدل ساعت بیولوژیک (۲۶) انسان توضیح داده می‌شود. انسان از برخی ویژگی‌های طبیعی بدن خود - مانند ضربان قلب، تنفس و امثال آن - می‌تواند برای تخمین زمان استفاده کند. انگیزش به طور خودکار برخی از این اعمال غیرارادی بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را سرعت می‌بخشد؛ از این روزمان سنج داخلی بدن دچار اختلال می‌شود و شخص گذر زمان را سریع تر می‌پندارد و درنتیجه بی‌صری و نارامی از خود نشان می‌دهد.

بعد احساسی، با به عبارتی احساسات مثبت و منفی، بر تخمین طول زمان و سرعت گذر آن مؤثر شناخته شده‌اند. ترس، خطر و شکست همگی باعث تخمین بیش از اندازه زمان می‌شوند. آنچه در اینجا جالب توجه می‌نماید، این است که احساسات مثبت نیز گاه باعث می‌شود که گذر زمان سریع تر به نظر آید. از این رو تنها بر تأثیر احساسات و حالات درونی افراد بر سرعت گذر زمان تأکید می‌گردد و کمتر از نحوه تأثیر احساسات مثبت یا منفی سخن به میان می‌آید. البته می‌توان این نکته را نیز اضافه کرد که در موارد گوanaگون گاه نوعی بی‌حسی محیطی به چشم می‌خورد. درخصوص زمان نیز گاه چنین بی‌حسی زمانی ایجاد می‌گردد و شخص در واقع چنان غرق در جریانی دیگر - مانند خواندن کتاب یا تماشای فیلم - می‌شود که اصولاً توجهی به زمان نمی‌کند؛ در

زندگی در شهرهای بزرگ نه تنها هزینه اقتصادی بیشتری را دربردارد، بلکه فرصت‌های شغلی و درآمدی بیشتری را نیز در اختیار قرار می‌دهد و در عین حال باعث افزایش رقابت برای دستیابی به این فرصت‌ها می‌شود. افزایش رقابت موجب می‌گردد که ساکنان شهرهای بزرگ نه تنها به رقابت با دیگران پردازند، بلکه با زمان نیز مسابقه‌ای دائمی ترتیب دهند

نتیجه عملاً از همه عوامل اخطاردهنده نیز باز می‌ماند و نهایتاً دچار مشکلات عینی مانند نرسیدن بموقع به امور و وظایف خود می‌شود.

بعد بالاسری هزینه زندگی ناشی از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای بزرگ است. این شهرها فشار مالی و فسالتی بیشتری را برشهر و ندان تحمل می‌کنند، و حجم کلی فعالیتی نیز در این شهرها بیشتر است؛ و اینها خود موجب ادراک گذر سریع زمان می‌شوند. بدین ترتیب، بعد هزینه بالاسری که به عنوان بعد مفهومی مؤثر بر ادراک سرعت زندگی شهری شناخته شده است، خود تحت تأثیر اندازه شهر قرار دارد. زندگی در شهرهای بزرگ نه تنها هزینه اقتصادی بیشتری را دربردارد، بلکه فرصت‌های شغلی و درآمدی بیشتری را نیز در اختیار قرار می‌دهد و در عین حال باعث افزایش رقابت برای دستیابی به این فرصت‌ها می‌شود. افزایش رقابت برای دستیابی به مشاغل و ثروت بیشتر که متناسب با کیفیت زندگی شهری است، موجب می‌گردد که ساکنان شهرهای بزرگ ناگزیر برای دستیابی به ابعاد متعدد زندگی و بهره‌وری از آنها در تلاش بی‌وقفه باشند و نه تنها به رقابت با دیگران پردازند، بلکه با زمان نیز مسابقه‌ای دائمی ترتیب دهند.

محیط شهرهای بزرگ عموماً به دلیل تنواع و تعدد و پرایانه، به مثابه محیط‌هایی با ضربان‌نگ سریع ارزیابی می‌شوند. پدیده اضطرار زمانی نیز پدیده‌ای شهری است که به منظور ادراک سرعت و ضربان‌نگ زندگی شهری می‌توان اشاره کرد. زندگی در شهرهای بزرگ مستلزم تعیت از برنامه زمان‌بندی دقیق است، حال آنکه ماهیت زندگی شهری، موانع عینی و پیش‌بینی ناپذیری را بر سر انجام چنین برنامه زمان‌بندی دقیقی به وجود می‌آورد. سنگینی و کندی پیش‌بینی نشده ترافیک از موارد بارزی است که موجب تنش می‌گردد و تحریمه اضطرار زمانی یا تعجیل به دلیل نگرانی از انجام نشدن بموقع کارهارا باعث می‌شود. بعد بالاسری هزینه زندگی یکی از عوامل مؤثر برایجاد پدیده اضطرار زمانی است که به طور مستقیم بر ادراک سرعت گذر زمان تأثیر می‌گذارد.

#### ۴- واکنش‌های محیطی و انتباخ پذیری

عدم رضایت شهر و ندان از محیط زندگی آنها می‌تواند واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته باشد. (۲۷) مهم‌ترین این واکنش‌ها به طور خلاصه عبارتند از: ۱- تلاش برای تغییر محیط (۲۸) به منظور ایجاد تناسب بین ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی یا ایده‌آل ذهنی شخص؛ ۲- تلاش برای انتباخ با محیط (۲۹) به طوری که شخص تاحدامکان محیط را می‌پذیرد و تلاش می‌کند تا خود را با محیط و شرایط آن منطبق سازد؛ و ۳- کاهش

تعلق مکانی (۳۰) و گسست از محیط، که نوعی پشت کردن و «نه» گفتن به شرایط محیط زندگی وی است. گسست در شرایط نامطلوب محیطی واکنش خطرناکی برای حیات اجتماعی محسوب می‌شود، که مدیران و مسئولان می‌بایست آنها را مورد توجه قرار دهند. گسست از محیط شدیدترین واکنش به شرایط نامطلوب محیط است، که خود به دو شکل انجام می‌شود. شکل نخست گسست بیرونی است، به طوری که شخص به طور آشکار و علنی محیط رانفی می‌کند و با ترک محیط و مهاجرت به محیطی دیگر، نارضایتی خود را اعلام می‌دارد. اما در مواردی که امکان چنین گسست از عملی و بیرونی برای شخص وجود ندارد، او به نوعی گسست درونی با محیط دست می‌زنند و به عبارتی ضمن حضور کالبدی در محیط، حضور حقیقی در محیط ندارد و به ازدواجی بین روی می‌آورد. از این روز بروز رفتارهای انتزواطبلانه در فضای شهری و درین شهروندان، باستی برای مسئولان شهری و مسئولان اجتماعی به طور عامتر زنگ خطری محسوب شود، تا در فک تغییر شرایط نامطلوب محیط بیرونی و برنامه‌ریزی برای این تغییر به سمت مطلوب باشند.

از سوی دیگر، هنگامی که شرایط محیط با خواست فطری مردم سازگار نیست و مردم توانایی ایجاد تغییر محیط را ندارند و در عین حال شرایط در حد شکل گیری گسست بیرونی - و یا حتی درونی - با محیط نیست، مردم تلاش می‌کنند که خود را با محیط انطباق دهند. ممکن است توان انطباق پذیری انسان با محیط، توان مثبت ارزیابی گردد و تصور شود که بدین ترتیب انسان می‌تواند در شرایط حاد محیطی نیز به حیات خود ادامه دهد. اما بایستی بین زندگی در شرایط حاد مطلوب و زندگی در شرایط حاد محیطی تفاوت قائل شد. همواره بین محیط مطلوب و محیط تحمل پذیر فاصله وجود دارد. محیط تحمل پذیر به هیچ روشی به مفهوم محیط مطلوب نیست. به عبارتی، این انسان است که با انعطافی که از خود در مواجهه با محیط بروز می‌دهد، شرایط حاد را به شرایط تحمل پذیر بدل می‌سازد. اما بدون تردید تأثیرات روانی درازمدت زندگی در شرایط مطلوب با زندگی در مقابل محیط، خطری دیگر حیات انسانی او را تهدید می‌کند.

همان گونه که اشاره شد، محیط تحمل پذیر به هیچ روشی به مفهوم محیط مطلوب نیست. بنابراین همواره بین محیط مطلوب و محیط تحمل پذیر فاصله وجود دارد. افزایش تدریجی تحمل انسان این فاصله را نیز افزایش می‌دهد، تا حدی که ویژگی های محیط تحمل پذیر شده نه تنها برای روح انسان بلکه برای جسم انسان نیز لطمات جبران نایذری را به همراه می‌آورد. به عبارتی، همین تحمل کردن و واکنش نشان ندادن، باعث می‌شود که انسان تدریجیاً دچار مشکلات حیاتی گردد. انتساب پذیری گاه پیامدهای منفی به دنبال دارد. آزمایش کلاسیک زیست شناسی برروی قورباغه به

عدم رضایت شهروندان از محیط زندگی آنها می‌تواند واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته باشد. ۱- تلاش برای تغییر محیط به منظور ایجاد تناسب بین ویژگی‌های محیطی و نیاز عینی یا ایده‌آل ذهنی شخص؛ ۲- تلاش برای انطباق با محیط؛ و ۳- کاهش تعلق مکانی و گستالت محیط، که نوعی پشت کردن و «نه» گفتن به شرایط محیط زندگی وی است

بهترین نحوی مسئله انطباق پذیری تدریجی و خطرها و پیامدهای ناشی از آن را نشان می‌دهد. اگر قورباغه‌ای را به ناگاه وارد آب جوش کنیم، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد: از آن بیرون می‌جهد، و بدین ترتیب خود را از خطر مرگ می‌رهاند. اما اگر قورباغه را وارد آب ولرم کنیم و تدریجیاً به آب حرارت دهیم، قورباغه نیز تدریجیاً با حرارت آب انطباق پیدا می‌کند و واکنش جهش را انجام نمی‌دهد. این عدم واکنش انقدر ادامه می‌باید تا آب به جوش آید و قورباغه تدریجیاً حیات خود را لذت بدهد. بدین ترتیب در نمونه اول که تغییرات سریع انجام می‌شود و فرصت انطباق پذیری وجود ندارد، واکنش موجب حفظ جان می‌گردد؛ حال آنکه تأثیرات تدریجی با انطباق تدریجی همراه است و واکنش حیاتی لازم انجام نمی‌گیرد، پس بایستی توجه داشته باشیم که هر چند انطباق با محیط نامطلوب در کوتاه مدت امکان ادامه حیات در این محیط را فراهم می‌کند، اما در درازمدت خود باعث مرگ و نابودی حیات می‌شود.

برخی از تأثیرات منفی انطباق پذیری انسان را در نمونه‌های مسائل محیطی می‌توان دید. یک نمونه واکنش



سیستم ادراکی و همین طور سیستم حسی انسان نسبت به الودگی صوتی است. کسانی که در زندگی بزرگراه‌ها زندگی کرده و در معرض الودگی صوتی دائمی قرار داشته‌اند، در موارد بسیار از مزاحمت سروصداشاکی نبوده‌اند، چرا که تدریجاً با افزایش تردد و افزایش سروصدانطباق پیدا کرده‌اند، اما در قبال این انتطبق ادراکی، دستگاه شنوایی آنها آسیب‌های جبران ناپذیری دیده است و دچار سنگینی شنوایی - در مواردی نیز ناشنوایی - در برخی از طول موج‌های خاص شده‌اند.

انتطبق تدریجی سازوکار بدن انسان با الودگی هوای شهرها، نمونه دیگری از این انتطبق پذیری است. این انتطبق باعث می‌شود که واکنش‌های آنی مانند فرمزشدن و آبریزش چشم در هوای الوده بروز نکند؛ اما افزایش بیماری‌های مزمن و گاه مهلک تنفسی از نتایج درازمدت این انتطبق پذیری است. در واقع زمانی که تعییرات کیفی محیط به طور تدریجی صورت گیرد، سازوکار بدن به جای واکنش و اعلام خطر، تدریجاً با محیط انتطبق پیدا می‌کند و به نوعی دچار اختلال می‌گردد.

شتابناکی زندگی شهری امروز، حاصل همین تلاش انسان برای انتطبق محیط شهری خود است. تعدد و قایع و تتنوع ابعاد زندگی باعث می‌شود که ادراک از گذر زمان افزایش یابد و انسان احساس کند که زمان سریع تراز گذشته در گذر است؛ بنابراین ناگزیر در رقابتی ناخودآگاه با سرعت گذر زمان قرار می‌گیرد و با افزایش سرعت فعالیت‌های خود تلاش می‌کند تا خود را با سرعت گذر زمان انتطبق دهد. کسانی که به زندگی شهری امروز عادت ندارند، عمدتاً از انجام بموضع امور و برنامه‌های خود باز می‌مانند. این عقب ماندن نوعی اخطار محیطی است که نشان می‌دهد در شرایط محیط اشکال وجود دارد.

تازمانی که شخص در رفتار خود تجدیدنظر نمی‌کند و بموضع به کارهای نمی‌رسد، خطر خاصی وی را تهدید نمی‌کند. عدم توفیق در انجام کارها، زنگ خطری نسبت به اندازه شهر و شرایط زیستی حاکم در آن است. اما تدریجاً شخص خود را با محیط و شرایط آن وفق می‌دهد و به منظور کاهش از خطر عقب ماندن و نرسیدن بموضع به کارها، برسرعت فعالیت‌های خود می‌افزاید. انتطبق پذیری با سرعت گذر زندگی شهری، از سرعت یافتن تحرک فیزیکی وی تا استقبال از مکان‌های عرضه غذایی فوری، و بالاخره کوتاه کردن طول و حتی سطح تبادلات اجتماعی وی ادامه می‌یابد. به عبارتی، شخص به منظور غلبه بر کمبود وقت و اضطرار زمانی دائمی که در آن قرار دارد، حتی از سلام و علیک در خیابان یا تلاش برای آشنایی رو در رو با همسایگان امتناع می‌ورزد و

- 1- Calhoun, J; **Population Density and Social Pathology**, Scientific American, February, 1962.
- 2- Elgin, D. and T. Thomas, Logothetti, S. Cox; **City Size and the Quality of Life**, Stanford Research Institute, National Science Foundation, Washington, D.C., 1974.
- 3- Fruin, J.; **Pedestrians, Planning and Design**, Metropolitan Association of Urban Designers and Environmental Planners, Inc. New York, 1971.
- 4- Gibson, J. J.; "Events are perceivable but time is not", In Fraser & Lawrence (Eds) *The Study of Time II* (pp. 295-301), Springer, New York, 1975.
- 5- Hull, B.; "Image Congruity, Place Attachment and Community Design", *The Journal of Environment and Behavior*. Vol.22, No.32, March, 1992.

تدریجیاً دچار نوعی بی حسی محیطی (۳۱) می شود. بدین ترتیب نگرانی از نرسیدن موقع به کارها و ضرورت حرکت سریع تر، کاهش تبادلات اجتماعی و حیات اجتماعی را به دنبال دارد. این جریان آنقدر ادامه می یابد که عملاً به مرگ حیات اجتماعی شهروند می انجامد.

برای آنکه از ایجاد چنین شرایطی که نهایتاً به مرگ حیات اجتماعی می انجامد جلوگیری شود، در برخی از نقاط دنیا به راهکارهای ابداعی رو آورده شده است. برای نمونه، در یکی از شهرهای ایتالیا در مبارزه با شتابناکی زندگی شهری، احداث رستوران های مخصوص غذای فوری ممنوع شده است. بدین طریق مسئولان شهری امیدوارند تا با ایجاد موانع عینی بر سرعت یافتن فعالیت ها و رفتارها، شهروندان را برای دیگر متوجه سرعت معقول و مناسب زندگی کنند و امکان تجدیدنظر در رفتارهای شان را فراهم آورند.

انسان در بسیاری از موقعیت با پذیرش شرایط و انطباق پذیری بیش از حد محیط، شرایطی و رای تحمل انسانی را می پذیرد؛ و همین امر خطری است که انطباق پذیری برای انسان به وجود می آورد. همان طور که سرخی و ریزانش اشک از چشم می تواند خطر آلودگی هوا را به ماعلام کند، انطباق تدریجی با آلودگی هوا را به ناشی از آن را پنهان می دارد، و اکشن های اجتماعی در شرایط نامطلوب محیطی نشانگر خطرناک و انطباق های اجتماعی این خطر را پنهان می کنند. در همین

موضوع ادراک زمان و سرعت زندگی شهری، تسریع تحرک و فعالیت، تلاش برای انطباق با شرایط محیطی است. ضمن آنکه این تلاش تداوم حیات طبیعی در شهرهای امروز را تضمین می کند، در عین حال حیات اجتماعی را مختل می سازد و در دراز مدت تأثیراتی فرسایشی بر روح و روان شهروندان می نهد. خلاصه آنکه، اگر چه انطباق پذیری در گذشته کلید موقفيت نسل بشر بوده است، اما در آینده می تواند به عامل نابودی حیات اجتماعی بدل شود؛ از این رو بایستی به زنگ های خطر بادقت و حساسیت گوش فراداد.

##### ۵- زندگی شهری امروز

بزرگ شدن مقیاس و ابعاد زندگی شهری، عدم خوانایی شهرها، افزایش تحرک مکانی، افزایش فاصله های اجتماعی و تضعیف نظام اجتماعی سنتی همگی از تبعات زندگی در شهرهای بزرگ آند و خود موجب اanzوگاریان فردی و اجتماعی می شوند. اما از آنجا که انسان موجودی است انطباق پذیری، این انطباق پذیری به وی قدرت تحمل و سازگاری در شرایط نامطلوب محیط را می دهد و در کنار آن علائم اخطار و مسائل و مشکلات اجتماعی را از نظر پنهان می دارد. بنابراین می بایست نسبت به تفاوت های محیط زیست مطلوب و محیط ریست تحمل پذیری آگاه بود و این دور از هم به خوبی تشخیص داد. بررسی کوچک ترین تغییرات در رفتار فردی و اجتماعی مردم می تواند خبر از تلاش برای انطباق پذیری با شرایط نامطلوب داشته باشد.

امروزه رشد سریع شهرهای ایران شرایط محیطی جدیدی را برای زندگی رقم زده است و تراکم جمعیت در این مراکز زیستی ویژگیهای را برای آنها به وجود آورده است. وسعت و گستردگی شهر و همچنین تراکم بالای جمعیت در سطح شهر، از جمله ویژگی های شهرهای بزرگ ایران هستند. این شرایط، افزایش تعداد و مدت سفرهای روزانه و حجم بالای تردد، افزایش آلودگی صوتی، بهره مند نبودن شهرهای بزرگ کشور از شبکه مطلوب حمل و نقل عمومی، وابستگی شدید به آتمیبل شخصی، هزینه بالای گذاشته و زمینه های تلاش برای انطباق پذیری داشته است. این همه بر ادراک ضربا هنگ تند شهری تأثیر گذاشته و زمینه های تلاش برای ایجاد محیطی را به همراه می بینند. این همه بجهاتی تغییر رفتار، و کاهش سطح روابط اجتماعی از جمله این تلاش ها برای انطباق پذیری است.

از آنجا که یکی از مهم ترین اهداف شهرسازی ایجاد محیط های کالبدی متناسبی است که در آنها روابط اجتماعی مطلوب شکوفا گردد و مفاهیمی چون هویت و تعلق مکانی و محله مسکونی در اذهان شکل گیرند،

- 6- Lansing, J.; **Planned Residential Environments**, Ann Arbor Survey Research Center, 1970.
- 7- Lowin, A. and J. H. Hottes B.E. Sandler, M. Bornstein. "The pace of life and sensitivity to time in Urban and Rural Settubgs: A preliminary study", Journal of Social Psychology, 83, pp. 247-253, 1971.
- 8- Milgram; **The Experience of Living in Cities**, Science, 167, pp. 1461-1468, 1970.
- 9- Sadalla, E and V. Sheets, H. MC Creth, "The Cognition of Urban Tempo". In Environmentand Behavior. Vol. 22, March 1990.
- 10- Schmitt, R., "Density, Health and Social Disorganization", Journal of the American Institute of Planners, January 1966.
- 11- Seeman, M.: **Alienation and Engagementin Campbell & Converse, The Human Meaning of Social Change**. Russell Sage Foundation, New York, 1972.

پانوشت‌ها:

- 1- Alienation
- 2- Seeman
- 3- congestion
- 4- Density
- 5- Schmidth
- 6- Calhoun
- 7- Lansing
- 8- Gibson
- 9- Number
- 10- Nature
- 11- Frustration
- 12- Time emergency
- 13- Urban pace of life
- 14- Urban Tempo
- 15- Subjective
- 16- Fast paced
- 17- Slow paced
- 18- Fruin
- 19- Pedestrians
- 20- Unimpeded Free Flow Speed
- 21- Duration estimate
- 22- Sadalla
- 23- Frustration
- 24- Cluster Analysis
- 25- Multidimensional Analysis
- 26- Biological clock
- 27- Hull 1992
- 28- Adjustment
- 29- Adaptation
- 30- Limited place attachment
- 31- Environmental numbness

بایستی بسی راهکارهای مناسب برای نیل به اهداف مذکور اندیشید. برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌باشد در پی آن باشند که با استفاده از ابزارهای کالبدی، و با متناسب کردن محیط شهری و کاهش تنش آنها، به حل معضلات ادراکی و نیازهای عملکردی شهروندان پردازنده برای ایجاد و تداوم حیات اجتماعی آنها تلاش کنند. برای نمونه، حتی الامکان باید عوامل کالبدی را، که ضرباً هنگ تنده شهری را تداعی می‌کنند، شناسایی کرد و در بی اصلاح این عوامل کالبدی و تخفیف ضرباً هنگ تنده شهری بود. در این راه، حذف موانع شکل گیری مفهوم اجتماعی محله می‌تواند در فهرست برنامه‌های کاری قرار گیرد. در این میان حذف ترافیک سریع و عبوری شهری از درون محله‌های مسکونی، که در ایجاد ادراک ضرباً هنگ تنده شهری مؤثر است، ضروری است. ابزارهای طراحی شهری مورد استفاده برای این امر می‌تواند راهکارهای گوناً گون ارام‌سازی ترافیک باشد که در دههای اخیر در سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی، هر چند که توان در فرم کلان شهر، ساختار و اندازه آن تأثیر گذاشت، اما می‌توان با تمهدیاتی از این دست، از طریق ایجاد محله‌های ارام و امن. بر احساس شهروندان مؤثر واقع شد و ادراک آنها را از سرعت زندگی شهری و ضرباً هنگ شهری تعدیل کردو از این راه تقویت روابط اجتماعی را ممکن ساخت.

#### ۶- افق آینده

طراحان شهری می‌باشد در پی آن باشند که عوامل نامطلوب پیامد آن بکاهند. در این زمینه، روان‌شناسی محیطی به عنوان روش‌شناخت، و طراحی شهری به عنوان ابزار مداخله به کار شهرساز می‌آید.

امروز طراحی شهری بایستی به طور عمیق به درک مسائل روانی شهروندان و نحوه تأثیر ویژگی‌های محیط مصنوع بر نیازهای روحی و روانی آنان پردازد و بدین ترتیب تحلیلی روش و علمی از نیازهای کالبدی شهر وندان ارائه دهد. برای نمونه، در همین موضوع ادراک از سرعت زندگی شهری و ضرباً هنگ شهری، راهکارهای طراحی شهری می‌تواند در کاهش احساس و ادراک سرعت زندگی شهری و ضرباً هنگ شهری مؤثر واقع شود و با ساماندهی و تاکید بر مسائلی چون ساختار محله‌ای، جزایری نسبتاً امن و آرام برای شهروند ایجاد کند؛ که شهر وند در آن از هیاهو و سرعت زندگی شهری در امان باشد و امکان بهره‌مندی از اسایش توأم با آرامش را داشته باشد. رسالت طراحی شهری تنها زیباسازی محیط نیست، بلکه می‌باشد از زیباسازی تنها به عنوان یکی از ابزارهای ساماندهی به محیط زیست کالبدی - اجتماعی شهر وندان بهره برد.

رسالت طراحی شهری عبارت است از شناخت مسائل و مشکلات زیستی انسان در محیط شهری، درک صحیح علل بین‌ادین و زمینه‌های واقعی این مشکلات، و استفاده از ابزارهای طراحانه برای بهبود کیفیت محیط شهری، تا بدین ترتیب نیازهای انسانی شهر وندان در همه سطوح به بهترین وجه تأمین گردد. آنچه در این میان به ویژه برای ما اهمیت دارد، آن است که بایستی با ابزارهایی که به عنوان طراح شهری در اختیار داریم، امکان آن را فراهم سازیم که از مشکلات ادراکی در فضای شهر بکاهیم و محیط شهری را به فرم و شکل ادراکی مطلوبی درآوریم. این مطلوبیت ادراکی درنهایت برخوبه رفتار و کارایی مردم در فضای شهری تأثیر می‌گذارد و آنچه که هدف غایی طراحی شهری است حاصل می‌آید.

رسالت طراحی شهری عبارت است از  
شناخت مسائل و مشکلات زیستی انسان  
در محیط شهری، درک صحیح علل  
بنیادین و زمینه‌های واقعی این  
مشکلات، و استفاده از ابزارهای  
طراحانه برای بهبود کیفیت محیط  
شهری، تا بدین ترتیب نیازهای انسانی  
شهر وندان در همه سطوح به بهترین وجه  
تأمین گردد